

خوانش جرم‌شناسانه آثار سعدی (با تأکید بر گلستان و بوستان)

هادی رستمی*

علی مولاییگی*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۸

چکیده

سعدی، نویسنده و شاعر سده هفتم، گرچه در زمره حقوق دانان جای نمی‌گیرد و از اساس حوزه فعالیت او به‌گونه‌ای نبوده که در ارتباط با جرم و جرم‌شناسی سخن بگوید و در مسائل حقوقی و قضایی ورود پیدا کند، با وجود این، اظهارنظرهای پراکنده وی در زمینه جرم و گناه، بعضاً با دیدگاه‌های نو که امروزه به‌عنوان جرم‌شناسی مطرح می‌شوند، سازگاری داشته و در خور بررسی است. شاید بتوان دلیل چنین شباهتی را آن دانست که این علوم درباره نوع «انسان» سخن می‌گویند و سعدی نیز، به‌عنوان یکی از ادیبان مطرح در حوزه انسان‌شناسی، مباحث دامنه‌داری پیرامون زندگی جمعی و شیوه‌های برخورد با اقشار مختلف جامعه را ارائه کرده است. بنابراین، مواردی چون تناسب کیفر با جرم، قطعیت و حتمیت مجازات، پیش‌گیری، حالت خطرناک، برجسب‌زنی و معاشرت‌های ترجیحی که کارکرد جرم‌شناختی دارند، در آثار سعدی به فراوانی نمایان است. نوشتار حاضر آهنگ آن را دارد با تبیین این هم‌سانی‌ها، بارقه‌ها و جلوه‌هایی از جرم‌شناسی کلاسیک، اثباتی و جامعه‌شناسی جنایی را در گلستان و بوستان سعدی شناسایی و ارتباط آنها را با آموزه‌های جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان بررسی نماید؛ و افزون بر این، با توجه به اینکه برخی اندیشه‌ها در تقابل با یکدیگر قرار داشته و در گفتار سعدی نیز هویدا هستند، چنین موضوعی را تناقض نپنداشته و به عمل‌گرایی او مرتبط نماید.

کلیدواژگان

سعدی- جرم‌شناسی- انسان‌شناسی- زیست‌شناسی- جامعه‌شناسی جنایی.

* استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان.

** کارشناس حقوق دانشگاه بوعلی‌سینا.

مقدمه

رابطه میان حقوق و ادبیات از جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی است. ادبیات اجازه می‌دهد تا حقوق بهتر فهمیده شود و حقوق نیز برای خلق و به تصویر کشیدن و حتی درک بعضی از آثار ادبی اهمیت فراوانی دارد. یک نمایش‌نامه‌نویس در مورد نشان دادن جلسه محاکمه اگر به اصول و قواعد حقوقی آشنایی نداشته باشد، نمی‌تواند نمایش صحیح و دقیق را در این مورد عرضه کند و یا یک نویسنده در نوشتن داستان جنایی موضوع‌های نادرست به قلم خواهد آورد. وانگهی برخی از بهترین و زیباترین آثار ادبی جهان داستان‌ها و رمان‌هایی هستند که درون‌مایه حقوقی دارند و حتی موضوع پاره‌ای از شاهکارهای ادبی، جرم است.^۱ بنابراین همبستگی و هم‌گرایی میان حقوق و ادبیات قابل انکار نیست و علت آن نیز روشن است؛ سخن چه شعر و چه نثر، نمودار اندیشه‌ها و باورها، آرمان‌ها، رخدادها و آئینه تمام‌نمای اوضاع و احوال مردم است و حقوق نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی با این مقوله سخت هم‌گرایی دارد. تحولات، و کشمکش‌های حقوقی جامعه در ادوار تاریخی با بیانی لطیف در سینه ادبیات جای گرفته و در شعر و نثر انعکاس می‌یابد.^۲ هر دو رشته از مسائلی سخن می‌رانند که این مقولات نه به حقوق تعلق دارد نه به ادبیات، بلکه مشترک میان این دو علم هستند و یگانگی تفکر بشری به هر دو تکیه دارد. حقوق موشکافانه تفکر را در عمل اعمال می‌کند و ادبیات با ظرافتی عمیق این تفکر را غنا می‌بخشد.^۳

برخی نویسندگان در سال ۱۹۰۸ با مطالعه رمان‌های ادبی با موضوع حقوقی، به بررسی مجدد ارتباط میان حقوق به ترتیب زمانی پرداختند و در سال ۱۹۲۵، گروهی دیگر با به‌کارگیری ابزارهای ادبی، به ایجاد روش غالب جهت بازبینی نظریه‌های حقوقی همت گماشتند. این جنبش، زمانی نمایان شد که در سال ۱۹۷۳، کتاب سفیدپوستان به نام «تصور حقوقی» به چاپ رسید. این اثر شیوه‌نویسی را در خواندن و درک زبان به فراگیران آن ارائه کرد.^۴

۱. خاطرات خانه اموات و جنایات و مکافات داستایوسکی نمونه‌ای از شاهکارهای ادبی هستند که موضوع آنها جرم و مجازات است.

۲. کاتبی، حسین‌قلی، **ادبیات حقوقی یا حقوق در ادبیات فارسی**، نشریه کانون وکلا، ۱۳۵۴، شماره ۱۳.

۳. مالوری، فیلیپ، **ادبیات و حقوق**، ترجمه: مرتضی کلانتریان، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

4. Nicole, Thompson (2012 Literature's Influence on the Law and Legal Actars, A dissertation submitted in partial fulfilment of the degree of Bachelor of Laws (with Honours) at the University of Otago, In: <http://www.otago.ac.nz/> 2012, pp.1-2.

در ایران نیز دکتر حسین قلی کاتبی «استاد حقوق تجارت»، نخستین شخصی بود که در این مسیر گام برداشت. او امیدوار بود آیندگان دنباله‌رو راه وی باشند؛ هرچند فعالیت چشم‌گیری صورت نگرفت. استادان رشته ادبیات فارسی نیز هنگامی که درباره بزرگان ادبیات سخن می‌گویند، تحلیل آنان بدون آنکه پژوهشی عینی و ویژه‌نگاشت (مونوگرافی) داشته باشد، بیشتر در چارچوب تک‌نگاری (بیوگرافی) قرار می‌گیرد. آنها اندیشه‌ها و درجه دانش و بینش اندیشمندان را جداگانه تحلیل کرده و سخنی از رابطه یا تأثیر خلاقیت علمی، ادبی، فلسفی یا هنری وی با پدیده‌های طبیعی و اجتماعی، سیاسی و حقوقی به میان نمی‌آورند.

اما علت انتخاب آثار سعدی و پرداختن به آنها از منظر جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی دلایل گوناگونی دارد؛ نخست اینکه سعدی تنها شاعر پارسی است که می‌توان او را به‌عنوان جامع‌ترین ادیب ایرانی معرفی نمود که در آثار وی تمام مسائل مهم انسانی مطرح شده است.^۱ دوم، سعدی اندیشمندی است که زبان فصیح و بیان معجزه‌آسایش را به مدح منحصر نکرده و آن را به ابنای بشر اختصاص داده است.^۲ سوم، سعدی در سفر به کشورهای مهم و ارتباط با اقشار مختلف، به روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌نگاری مردم و گروه‌ها پرداخته و از راه تجربه مستقیم «مشاهده همراه با مشارکت» به شناخت آنان همت گماشته و داده‌های خود را در قالب شعر، تمثیل، داستان و طنز به تصویر کشیده است.^۳ هیچ شاعری به اندازه سعدی به واقعیت‌های اجتماعی و انسانی به‌ویژه مسئله جرم، توجه‌ای نداشته و هیچ‌کس به اندازه او از نزدیک مشکلات و معضلات بشری را تجربه نکرده است.

این عمل‌گرایی سعدی را می‌توان با جرم‌شناسان مکتب تحقیقی به بعد مقایسه نمود که به انتقاد از خصلت مبل‌نشینانه اندیشمندان کیفری پیش از خود پرداخته بودند. وانگهی، بزرگان سعدی را از دیدگاه‌های علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست، مردم‌شناسی و حتی بهداشت

۱. اسلامی‌ندوشن، محمدعلی، **چهار سخن گوی و جدان ایران**، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.

۲. رالف امرسون، شاعر و فیلسوف آمریکایی قرن ۱۹ در این باره می‌نویسد: «بشریت به سعدی علاقه‌مند است؛ زیرا، او به زبان همه ملل و اقوام عالم سخن می‌گوید و گلستان او یکی از انجیل‌ها و کتب مقدسه دیانتی جهان است که دستورهای اخلاقی آن می‌تواند به‌عنوان قوانین عمومی و بین‌المللی شناخته شود و حتی آثار و افکارش بر ولتر و سایر متفکرین عصر او تأثیر گذاشته و آنها او را ستوده‌اند». نگاه کنید به: دشتی، علی، **قلمرو سعدی**، تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، چاپ چهارم، ۱۳۵۶.

۳. ستوده، هدایت‌الله، **جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.

همگانی بررسی نموده‌اند،^۱ اما مسائل مرتبط با جرم در این میان مغفول مانده که این نوشتار در تکاپوی آن است. رجوع جرم‌شناسانه به آثار سعدی بی‌گمان راه تازه‌ای را برای پژوهش‌های بعدی میان ادبیات و جرم‌شناسی از جنبه‌های گوناگون می‌گشاید و فرهنگ حقوقی به کمک ادبیات به تدریج فراخ‌تر و فربه‌تر و تنومندتر می‌گردد.

تحلیل آثار ادبی با عینک جرم‌شناسی، از آن‌رو ضرورت دارد که از یک‌سو، به ایجاد هم‌گرایی و تعامل میان حقوق و ادبیات دامن می‌زند؛ و از سوی دیگر، با کندوکاو اندیشه‌های شاعران و ادیبان و رصد یافته‌ها و بارقه‌های جرم‌شناسی در آثار آنان و در عین حال سنجش نگاه آنها به واقعیت‌های اجتماعی، به توسعه و تکامل علم جرم‌شناسی کمک می‌کند. خوانش جرم‌شناسانه آثار سعدی نیز از آن جهت که بستری برای پژوهش‌های بعدی با موضوع و مضمون جرم‌شناسی و ادبیات فراهم می‌سازد، حائز اهمیت است. توجه به مشاهدات و مکاشفات سعدی، دریافته‌ها و تجربه‌های او در گلستان و بوستان فضای جدیدی در ساحت جرم‌شناسی باز کرده و به این‌سان به گسترش جرم‌شناسی ادبی مدد می‌رساند.

این مقاله می‌کوشد با توجه به ارتباط برخی نظریه‌های جرم‌شناسی با اندیشه سعدی در گلستان و بوستان، نخست به خوانش جرم‌شناسانه برخی اشعار بپردازد (۱) و سپس هم‌پوشانی بعضی از شعرها و نثرها را با برخی نظریه‌های جامعه‌شناسی جنایی (۲) شناسایی کرده و سرانجام با طرح تناقض اندیشه‌ها و راهکارهای رفع آن (۳) به شناخت دقیق‌تری از سعدی و نگاهی که به جرم و کیفر دارد، دست یابد.

۱. رویکرد جرم‌شناختی محض به اندیشه سعدی

جرم‌شناسی را می‌توان به‌عنوان علمی که به دنبال پاسخ به چرایی دلایل وقوع بزه و چگونگی مطالعه بزه‌کار و راه‌های تشخیص حالت خطرناکی افراد و اصلاح اخلاقی و درمان جسم و روان بزه‌کاران و نحوه بازپروری آنان است، معرفی کرد. جرم‌شناسی به مثابه علمی نسبتاً نوپدید که درباره علل پدیده بزهکاری با توسل به روش‌های علمی صحبت می‌کند، از اواخر سده ۱۹ میلادی

۱. علاقه‌مندان در این باره می‌توانند به کتاب سه جلدی **ذکر جمیل سعدی**، که توسط کمیسیون ملی یونسکو در ایران گردآوری شده، یا به کتاب **جامعه‌شناسی ارزش‌ها** نوشته پرویز صانعی، (ص ۴۹۴) رجوع کنند.

در ایتالیا آغاز به کار کرد، اما به باور بزرگان، این علم پیشینه‌ای داشته که بعدها موجب تشکیل آن شده است (دوره ماقبل علمی) و در این دوره می‌توان نظریه‌های فلاسفه و مصلحان را مطرح نمود.^۱ کاوش‌هایی تاریخی نشانگر وجود بخشی از آموزه‌های جرم‌شناسی در اشکال مختلف در ادوار گذشته است و بنا بر این شرایط و انگیزه‌های ایجاد آن، امری نیست که ناگهانی پدید آمده باشد. جرم‌شناسی در دوران تحول و قبض و بسطش، همواره بستری برای رویش و زایش نظریه‌های گوناگون در ارتباط با جرم و کج‌روی بوده است. همه نظریه‌ها با وجود ابتنا بر علت‌شناسی درباره بزهکاری، چارچوب‌های نظری متفاوت و از پاره‌ای جنبه‌ها متناقض با یکدیگر ارائه می‌کنند. با این حال پهنه و گستره جرم‌شناسی در سه حوزه کلی قابل تصویر است.^۲ نخستین حوزه، که اندیشه کلاسیک را در برمی‌گیرد، جرم را رفتاری گزینش شده و مبتنی بر اراده آزاد می‌نگرد و به دنبال تمهید راهکاری برای بازدارندگی است. حوزه دوم جرم را معلول نیروهایی فراتر از کنترل اشخاص دانسته و رویکرد جبری به بزهکاری دارند. سرانجام سومین حوزه، سنجش جرم را بیشتر تابعی از شیوه وضع و اجرای قانون کیفری می‌انگارد و دیدگاه خود را به جای تمرکز بر مرتکبان جرم، به عملکرد قانون کیفری متمرکز می‌نماید.^۳ این نظریه‌ها، به‌رغم تفاوت در نگاه، از یک مبانی پژوهشی برخوردارند و همه آنها ادعاهایی را درباره ارتباط میان پدیده‌های مشاهده‌پذیر مطرح می‌کنند و به این‌سان دیدگاه خود را بازتاب واقعیت‌های اجتماعی می‌دانند. هرچند به ظاهر نوعی رویارویی میان آنها دیده می‌شود اما به ندرت می‌توان نظریه‌ای را به کلی تصدیق و یا تکذیب نمود. واقعیت‌هایی در همه آنها نهفته است که قابل کتمان نیستند.

نگاه سعدی به جرم، که در زمان او به ظلم یا گناه تعبیر می‌شد، بیشتر با مبانی جرم‌شناسی کلاسیک^۴ و رویکردهای جبری به بزهکاری نزدیکی دارد و با حوزه‌های دیگر بیگانه است.

۱. نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین، **مباحثی در علوم جنایی**، ویراست هفتم، به کوشش: شهرام ابراهیمی، ۱۳۹۱.

۲. برای آشنایی با شاخه‌های علوم جنایی و جایگاه جرم‌شناسی در آن، نگاه کنید به: نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین، **از حقوق جنایی تا علوم جنایی**، در: دیباچه علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳؛ نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین، **درباره اصطلاح سیاست جنایی**، در: دیباچه ویراست دوم درآمدی بر سیاست جنایی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۳. یرنارد، تامس، اسنیپس، جفری، جرولد، الکساندر، **جرم‌شناسی نظری ولد**، ویراست ششم، ترجمه علی شجاعی، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۲.

4. Classical Criminology.

سعدی به علت آنکه در گلستان و بیشتر در بوستان در قامت یک مصلح اجتماعی ظاهر می‌شود، توصیه‌ها و پیشنهادهایی در ارتباط با جرم و مجازات داشته که با دیدگاه نظریه‌پردازان جرم‌شناسی کلاسیک و جرم‌شناسی اثباتی اشتراک‌ها و همدلی‌هایی دارد.

۱.۱ تحلیل آثار سعدی از منظر جرم‌شناسی کلاسیک

جرم‌شناسی کلاسیک هنگامی طلوع کرد که رویکرد طبیعت‌گرای اندیشمندان قرارداد اجتماعی، با رویکرد فراطبیعت‌باور که پیش از هزار سال بر اندیشه اروپایی چیره شده بود، چالش می‌کرد. این نوع جرم‌شناسی اعتراضی بود به تبیین‌های فراطبیعی از جرم که بزهکاران را ناقضان حقوق طبیعی پنداشته و جرم را با گناه یکسان می‌پنداشت.^۱ این خوانش از جرم بستری برای دولت فراهم می‌کرد که از آن طریق، مجازات‌های سنگین و هولناک را بر مجرمان اعمال کند و خود به جای خداوند قرار دهد. با این حال، جرم‌شناسی کلاسیک طیف متنوعی از نظریه‌ها را شامل می‌شود که به‌طور عمده حول محور پیشگیری از جرم و فرضیه بازدارندگی متمرکز هستند. این نوع جرم‌شناسی بیشتر رویکرد فایده‌گرایانه‌ای به کنش‌های آدمیان دارد و از این‌رو، از یک سیاست کیفری پیامدگرا حمایت می‌کند.

۱.۱.۱. تأکید بر ثبات و فایده‌مندی مجازات

اساس و بنیان مجازات در گذشته نه چندان دور فرمان حاکمان و در برخی موارد عرف و عادات مردم بوده است، ابهام و اجمال در قانون، منشأ تفسیرهای شخصی دادرسان و در نتیجه صدور آرای متفاوتی بود و در موارد سکوت قانون، به خودکامگی آنان می‌انجامید. با توجه به این وضع، بکارها و مونتسکیو از جمله نخستین فیلسوفانی بودند که در قرن ۱۸ به تعریف جرم و مجازات پرداخته و خواستار رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات شدند.^۲ بکارها، که آوازه‌اش در جرم‌شناسی کلاسیک بیش از دیگران است، در کتاب مشهور خود با عنوان «جرائم و مجازات‌ها» در سال ۱۷۶۴، اختیار کیفرگذاری را «تنها به قانون‌گذار که نماینده جامعه‌ای است که براساس یک قرارداد اجتماعی تشکیل یافته»^۳ متعلق می‌داند.

۱. برنارد، تامس، اسنیپس، جفری، جرولد، الکساندر، پیشین.

۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۲.

۳. بکارها، سزار، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه: محمدعلی، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.

گلستان، انعکاسی از جهان واقعی عصر سعدی است که دنیایی مشابه اروپای زمان بکاریا را به تصویر می‌کشد. جهانی پر از بی‌ثباتی‌ها که حکمرانان و قضاوت‌کنندگان بی‌هیچ قاعده‌ای، بر مبنای نظر و امیال شخصی خود داوری نمایند. «هرمز را گفتند، وزیران پدر را چه خطا دیدی که بند فرمودی، گفت خطایی معلوم نکردم...»^۱ در چنین جامعه‌ای، حتی ممکن است شخصی با بالاترین سطح اجتماعی به صرف حسادت، محکوم به خیانت گردد و بی‌هیچ کندوکاوی در کشف حقیقت، به انواع عقوبت گرفتار شود و سرانجام نیز به دلیل سلامت جسمی و روحی ایجاد شده در حاکم، عفو گردد. این شرایط موجب شده سعدی در ذهن آرمانی خود، جهانی را ترسیم نماید که در آن صدور حکم بر اساس عدالت و انصاف مقبول عموم باشد، تا اندکی از بی‌بندوباری حاکمان کاسته شود و از این‌رو، نام باب اول بوستان خود را «در عدل و تدبیر و رأی» انتخاب می‌کند. اما تشابه گفتار سعدی با اصل قانون‌مندی بکاریا، بیشتر در باب کشتن جلوه می‌یابد. سعدی که شاهد قتل بسیاری از بزرگان و اندیشمندان با بهانه‌های واهی بوده، کشتن افراد را مستلزم اجازه قانون شرعی می‌دانست و در غیر این صورت آن را قتل نفس به‌شمار می‌آورد.^۲ او بر آن است:

نه بر حُکم شرع آب خوردن خطاست وگر خون به فتوی بریزی رواست
کِرا شرع فتوی دهد؛ بر هلاک الا تا نداری ز کشتنش باک^۳

شاید دلیل چنین شباهتی این باشد که اصل قانون‌مندی در سابقه فقهی، تحت عنوان قاعده «قیح عقاب بلا بیان» مطرح شده،^۴ و سعدی که فقه را در نظامیه بغداد فراگرفته، به این موضوع آگاهی کامل داشته است.

۱. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، **کلیات سعدی**، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات نشر طلوع، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

۲. انصاری، نورالحسن، «**شیخ سعدی و تصور او از یک جامعه آرمانی**»، در: ذکر جمیل سعدی، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتادمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی شیرازی، گردآوری توسط کمیسیون ملی یونسکو ایران، اداره کل انتشارات تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی، جلد اول، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.

۳. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، **بوستان (سعدی‌نامه)**، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸.

۴. محقق‌داماد، سیدمصطفی، **قواعد فقه جزایی**، تهران: مرکز نشر علوم انسانی، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۱.

جرم‌شناسان کلاسیک بیشتر از زوایه فایده‌گرایانه مجرم را انسانی مختار و آزاد معرفی می‌کردند و چنان‌که بتنام بیان می‌دارد: «مجرم، فردی سنجش‌گر و منفعت‌گرا است، بزهدکار با احتساب فایده عمل خود و سود حاصل از آن و فارغ از کیفری که در انتظار او است، خویشتن را به تبه‌کاری می‌آلاید. بنابراین اگر کیفرها به شیوه‌ای وضع شوند که هرکس سود خود را در امتناع از آلودگی به بزهدکاری، بیابد... غرض قانون‌گذاری که همانا منفعت همگانی است تأمین خواهد شد.»^۱ سعدی نیز در پاره‌ای اشعار انسان را موجودی منفعت‌نگر می‌پندارد که اگر منافع او ایجاب کند، تهی‌گاه دیگری را می‌درد. این همدلی سودگرایانه در شعر زیر هویدا است:

تا سگان را وجوه پیدا نیست مشفق و مهربان یکدگرند
لقمه‌ای در میان‌شان انداز که تهی‌گاه یکدگر ب‌دزدند^۲

۱.۱.۲ قطعیت کیفر و پیش‌گیری از جرم

اندیشمندان کلاسیک به شدت پایبند اجرای کیفر بودند. اما به باور آنها کیفر نباید نسنجیده و نیندیشیده اجرا گردد و جهت تأثیرگذاری باید شدت، مدت و حتمیت آن رعایت گردد.^۳ سعدی نیز در باب اجرای سنجیده مجازات معتقد است که «حاکم تا به غور گناه نرسد؛ عقوبت روا ندارد»^۴ و اگر خطاکاری مجازات می‌شود، باید مشخص گردد که او به آن جنایت دست یافته است؛ زیرا، به محض اینکه لعل بدخشانی شکست، نمی‌توان آن را باز ساخت:

چو خشم آیدت بر گناه کسی تأمل گنش در عقوبت بسی
که سهل است، لعل بدخشان شکست شکسته نشاید دگر باره بست^۵

در باب اجرای سنجیده مجازات کشتن نیز چنین اعتقاد دارد:

۱. اردبیلی، محمدعلی، پیشین.

۲. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

۳. اردبیلی، محمدعلی، پیشین.

۴. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

۵. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

نیک سهل است زنده، بی‌جان کرد
کشته را باز زنده نتوان کرد
شرط عقل است صبر تیرانداز
که چو رفت از کمان نیاید باز^۱

بکاریا همچنین معتقد بود، مجازات اعدام تنها باید در موارد بسیار نادر به‌ویژه در حالت هرج و مرج سیاسی اعمال شود.^۲ سعدی نیز به استثنایی بودن این کیفر عنایت دارد و آن را تنها در دو مورد قابل اعمال می‌داند: ۱. هنگامی که شرع اجازه داده باشد. ۲. زمانی که تدابیر اصلاحی دیگر ناکارآمد باشد.

گر آید گنه‌کاری اندر پناه
نه شرط است کشتن به اول گناه
چو باری بگفتند و نشنید پند
دگر گوش مالش به زندان و بند
و گر پند و بندش نیاید به‌کار
درختی خبیث است بیخش برآر^۳

موضوع دیگری که جرم‌شناسان کلاسیک بسیار بر آن تأکید می‌کردند، پیش‌گیری از جرم بود. بنام، سرسلسله جنبش فایده‌گرایی، پیش‌گیری را هدف اصلی مجازات می‌دانست.^۴ برای دیگر فایده‌گرایان، پیش‌گیری گرچه هدف نهایی نیست، اما دست‌کم فایده‌ای همگانی و بینابین و به تعبیری هدف واضحی است.^۵ سعدی نیز بر این باور است: «عقوبت کسی که در حق بی‌گناهی افترا کند، آن است که به خصمش سپارند تا دمار از روزگار او برآورد و دیگران از فصیحت او نصیحت پذیرفته و عبرت گیرند»^۶

گرانگاه جرم‌شناسی کلاسیک بیشتر پژوهش درباره پیشگیری کیفری بود و بر این اساس نظریه‌پردازان این حوزه درصدد طراحی سامانه‌ای بودند که ارتکاب جرم را به حداقل برسانند. کیفر در این باور، شری است که در راستای کاهش رنج افراد قابل توجه است و به‌گونه‌ای باید

۱. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

۲. بکاریا، سزار، پیشین.

۳. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

۴. کلی، جان، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه: محمد راسخ، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

۵. Duff, R.A (2001), Punishment, Communication, and Community, New York: Oxford University Press, 2001. p.4.

۶. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

اعمال شود که موجب کاستن از شر عمومی گردد، به نحوی که در غیاب آن، شر موجود افزایش یابد.^۱ سعدی هرچند نظریه پرداز این حوزه نیست، اما، چنان که بیان شد، ایده‌هایی در این خصوص ارائه کرده است.

۱.۲ رد پای اثبات‌گرایی^۲ در آثار سعدی

پس از نظریه‌های لامارک و داروین، بین سال‌های ۱۸۶۰-۱۸۴۰، تلاش‌های جدیدی برای ادراک حیات انسانی آغاز شد؛ به‌ویژه نظریه‌های وراثت در سال‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۵ تحولی نو در علم زیست‌شناسی را پدید آورد. برای نمونه، در ایتالیا متأثر از فلسفه کنت، اعتقادات داروین و قوانین وراثت، مکتب جدیدی به نام مکتب تحقیقی یا اثباتی متولد و موج علمی تازه‌ای با انتشار کتابی به نام «مرد بزهکار» در سال ۱۸۷۶ ظاهر شد.^۳ از ویژگی‌های این مکتب در باب علت جرم، جبری بودن می‌باشد. نظریه پردازان این نظریه بر این باور هستند که عوامل دیگری خارج از قلمرو اختیار انسانی، نقش بنیادی در تعیین رفتارها ایفا می‌کند؛ عواملی که طیف گسترده‌ای از محرک‌های زیست‌شناسی، روان‌شناسی و نیز ساختار اجتماعی را در برمی‌گیرند.^۴ لمبروزو رابطه نزدیکی میان نقص بدنی و جنایت برقرار می‌کند و بر این اساس، نظریه «بزه‌کار مادرزاد»^۵ را مطرح می‌سازد. انسانی که به‌واسطه خلل در وجودش، تبدیل به بزهکار می‌گردد و ویژگی‌های خاص مجموعه و اندازه بدنی در او اهمیت بسیاری می‌یابد. این نظریه البته مورد انتقاد قرار گرفته و برخی به طنز گفته‌اند: تفاوت‌های میان یک دانشجوی انگلیسی و اسکاتلندی بیش از اختلاف میان بزهکار و غیر بزهکار است.^۶ با این حال، مسئله ژن و وراثت از دیرباز دانشمندان و

1. Von Hirsch, Andrew (1992), Proportionality in the Philosophy of Punishment, In: Crime and Justice, Vol. 16, p.63.

2. Positivism.

۳. نوربها، رضا، **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش و دادآفرین چاپ بیست و نهم، ۱۳۹۰.

۴. نجفی‌توانا، علی، **جرم‌شناسی**، تهران: آموزش و سنجش، چاپ ششم، ۱۳۸۹.

۵. این اصطلاح را «جانی بالفطره» و «جانی فطری» نیز به کار برده‌اند. استعمال کلمه فطری در این ترکیب کاملاً توأم با مسامحه است، زیرا، امور فطری همگانی و ازلی و ابدی بوده و تابع زمان و مکان نیستند و استثناً در آنها راهی ندارد، حال آنکه نقص مادرزادی امری است استثنایی و حتی غیرارثی. نگاه کنید به: کی‌نیا، مهدی، **مبانی جرم‌شناسی**، جلد نخست، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۰.

۶. نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، **خلاصه تقریرات جرم‌شناسی**، تدوین: مجتبی جعفری، ۱۳۸۷.

اندیشمندان را به تکاپوی ذهنی و توجه عینی و محک عقلی و عملی در این زمینه کشانده است.^۱

۱.۲.۱. بزهکار مادرزادی

هرچند در گفتار سعدی ساختار جسمانی بزهکار در شکل‌گیری رفتار فرد، برخلاف کلیله و دمنه،^۲ آن‌چنان مورد توجه قرار نگرفته، اما در بیتی از او رگه‌هایی از وجود چنین تفکری قابل ردیابی است:

نیش عقرب نه از ره کین است اقتضای طبیعتش این است^۳

در حکایتی از گلستان نیز، نمونه‌ای از این دیدگاه، که انسان، بزهکار متولد می‌گردد، دیده می‌شود: بین شاه و وزیر درباره کشتن یا قابل تربیت بودن کودک بزه‌کار اختلاف می‌افتد. یکی می‌گوید باید این بچه مار را که عاقبت مار شود کشت و دیگری معتقد به اصلاح او است، سرانجام نظر دوم ملاک قرار گرفته و کودک برای تربیت، رهسپار خانه وزیر می‌شود؛ تا اینکه به سن بلوغ رسیده، زنجیر تربیت را پاره کرده، وزیر را کشته و اموال او را می‌برد و به طایفه دزدان می‌پیوندد.^۴ در نهایت معلوم می‌شود:

عاقبت گرگ زاده، گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود

۱. ایمانی، عباس، **جرم‌شناسی در ادبیات**، تهران: انتشارات نامه هستی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۲. در کتاب «کلیله و دمنه» وقتی که «دمنه» را برای محاکمه به محضر قاضی برده‌اند، یکی از حاضرین چنین اظهار عقیده می‌کند: «...این بدبختی‌ست که علامت کژی سیرت در زشتی صورت او دیده می‌شود. قاضی پرسید آن علامت چیست؟ گفت: علما گویند که هر گشاده‌آبرو که چشم راست او از چپ خردتر باشد، با اختلاج (پریدن پلک چشم) داریم، و بینی او به جانب راست میل دارد و در هر منبتی (رستگانه) از اندام او سه موی روید و نظر او همیشه سوی زمین افتد، ذات ناپاک او مجمع فساد و مکر و منبع فجور و غدر (خیانت) باشد» نگاه کنید به: نصرالله منشی، ابوالمعالی، کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح: مجتبی مینوی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم ۱۳۷۰.

۳. به باور برخی، این بیت در معتبرترین تصحیح گلستان از دکتر غلام‌حسین یوسفی نیامده و حتی در کلیات مرحوم فروغی نیز جای ندارد. ولی در امثال‌الحکم، علامه دهخدا، آن را از سعدی دانسته است. نگاه کنید به: دهخدا، علی اکبر، امثال‌الحکم، جلد چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم.

۴. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، **کلیات سعدی**، پیشین.

حکایت آقامحمدخان قاجار و خشونت بی‌رحمانه او در حق لطفعلی‌خان زند، که اتفاقاً بارها مورد عفو پادشاه زندیه، کریم‌خان، قرار گرفته بود، نیز شاهی بر مدعی سعدی است. گفته‌های زیر دقت نظر او را در این زمینه نشان می‌دهد:

پرتو نیکان نگیرد هرکه بنیادش بد است تربیت ناهل را چون گردگان بر گنبد است
شمشیر نیک از آهن بد چون کند کسی ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس^۱

یا

چون بود اصل گوهری قابل تربیت را درو اثر باشد
هیچ صیقل نکو نداند کرد آهنی را که بدگهر باشد
سگ به دریای هفت‌گانه بشوی که چو تر شد، پلیدتر باشد
خر عیسی گرش به مکه برند، چو بیاید هنوزم خر باشد^۲

به باور لمبروزو، مجرم جانی‌زاده فردی خطرناک و غیرقابل‌اصلاح است و اجرای اقدام تربیتی هیچ اثری بر وی نداشته و تنها راه طرد و تبعید چنین افرادی از محیط است.^۳ اما سعدی به‌جای طرد، کشتن را ترجیح داده و می‌گوید:

و گر پند و بندش نیاید به کار درختی خبیث است، بیخش بر آر^۴

و در توجیه این عمل می‌گوید: «بدان را گوشمالی دادن و گذاشتن، همان مثل است که گرسه گرفتن و سوگند دادن» و یا «آن را که در او شری بیند کشتن اولی‌تر! که از شهر بدر کردن که مار و کژدم را از خود دفع کردن و به خانه همسایه انداختن هم نشاید».^۵ مجرمی که تربیت‌ناپذیر و غیرقابل‌اصلاح است، راهی جز مرگ ندارد.

۱. همان.

۲. همان.

۳. نجفی توانا، علی، پیشین.

۴. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

۵. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

۲.۲.۱. حالت خطرناک

از دستاوردهای مکتب تحقیقی حالت خطرناک است. در حالت خطرناک فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که گرایش و تمایل به ارتکاب جرم پیدا می‌کند. وجه تسمیه حالت خطرناک هم از همین امر نشئت می‌گیرد.^۱ در سده نوزدهم، هم‌زمان با توسعه علوم تجربی و ظهور مکتب تحقیقی در ایتالیا، این مفهوم نیز با تأکید بر ضرورت تأمین دفاع اجتماعی، توسط رافائل گاروفالو مطرح شد. گاروفالو، در مقاله خود در اکتبر ۱۸۷۸ با عنوان «خطرناکی» یا «دهشتناکی» این مفهوم را برای نخستین بار در پهنه جرم‌شناسی به‌طور علمی مطرح کرد. مکتب تحقیقی در تلاش بود با به‌کاربردن روش‌های علمی، خطرناکی فرد را پیش‌بینی کند؛ اگر فرد قابل درمان باشد، اصلاح؛ وگرنه، با حبس‌های طولانی، خطرناکی وی خنثی شود.^۲

برخی حالت خطرناک را حالتی دانسته‌اند «که اقتران عامل‌های فردی و اجتماعی جرم‌زا و تأثیر آنها در شخص معین، او را در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد».^۳ تأثیر عوامل جرم‌زا بر همه افراد یکسان نیست. هرگاه وضعیت روحی و جسمی فرد مجرم به‌گونه‌ای باشد که با وجود اجرای مجازات معمولی، نتوان از اقدامات بزهکارانه بعدی او جلوگیری نمود، این فرد دارای حالت خطرناک است. این اقدامات حتی ممکن است قبل از هرگونه ارتکاب جرمی باشد.^۴ از نظر ژان پیناتل، حالت خطرناک، احتمالی موجود در فرد است که وی بتواند مرتکب عملی ضد اجتماعی گردد که در علم حقوق جرم نامیده می‌شود.^۵

برای تشخیص حالت خطرناک شاخص‌های گوناگونی مورد توجه قرار می‌گیرد. به لحاظ حقوقی، می‌توان به اعتبار تعدد و تکرار جرم یا ماهیت برخی جرائم، حالت خطرناکی را احراز کرد. از بعدی دیگر، اعتقاد بر این است که باید به حالات روانی بزهکار، که مصدر ارتکاب جرم است، توجه کرد. در این روش، مداخله و اظهارنظر متخصصان و کارشناسان حوزه سلامت ضروری است.^۶

۱. قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی در حقوق کیفری ایران، تهران: انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۳۷۴.

۲. رضوانی، سودابه، تحولات مفهوم خطرناکی در جرم‌شناسی و آثار آن، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵.

۳. صدرات، علی، حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: کانون معرفت، چاپ نخست، ۱۳۴۰.

۴. امینی، محمد، ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تأمینی، تهران: نشر تابان، چاپ نخست، ۱۳۴۶.

۵. پیناتل، ژان، جرم‌شناسی، برگردان: رضا علومی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۴۵.

۶. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

بر اساس برخی دیدگاه‌ها، صرف وجود حالت خطرناک بدون آنکه فرد مرتکب جرمی شده باشد، برای تعیین و اجرای ضمانت‌های کیفری کافی است. چنین مفهومی در گفتار سعدی نیز دیده می‌شود. او در حکایت «مجازات کردن وزیران پدر توسط هرمز»^۱ دلیل مجازات وزیران را ترس و عدم اعتماد و سوء قصد احتمالی به جان خود می‌داند. یا در بوستان می‌گوید:

سر گرگ که باید هم اول برید نه چون گوسفندان مردم درید^۲

یا «هرکه از دست تو نه ایمن است، از او ایمن مباش که مار را از بیم هلاک خویش قصد گزند آدمی کند»^۳ و در حکایت دیگری که مطلع آن چنین است:

شنیدم که مردی غم خانه خورد که زنبور بر سقف او لانه کرد ...

شوهر درصدد نابود کردن زنبورها برآمده و زن از کار او جلوگیری می‌کند، چندی بعد زنبورها زن را به نیش می‌زنند و فریاد زن، به هوا برمی‌خیزد و در چنان حالی شوهر به او می‌گوید:

مکن روی بر مردم ای زن ترش تو گفتی که زنبور مسکین مکش
کسی با بدان نیکویی چون کند بدان را تحمل بد افزون کند^۴

آنچه از دیدگاه سعدی، موجب مجازات فرد حتی بدون انجام کار خطا می‌گردد، وجود حالت و ویژگی خاصی است که ارتکاب جرم را توسط بزهکار محتمل می‌سازد. بنابراین تنها راه چاره، پیش‌گیری از رهگذر تعیین کیفر اسیت. تفاوت سعدی با اثبات‌گرایان در این نکته است که او مقابله با خطرناکی را بیشتر به کیفر فرومی‌کاهد و به اصلاح و درمان چندان توجهی ندارد. این تجویز البته با توجه زمان سعدی طبیعی است. سعدی با اینکه از تأثیر تربیت غافل نیست، اما به اثرپذیری آن در مورد همه اعتقادی ندارد.

۱. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

۲. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

۳. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

۲. رویکرد جامعه‌شناختی به اندیشه سعدی

نگاه جامعه‌شناسانه به جرم پیشنه دراز آهنگی دارد. این نگاه در دو رویکرد جامعه‌شناسی جنایی^۱ و جامعه‌شناسی کیفری^۲ قابل بررسی است. جامعه‌شناسی جنایی، که همچون جرم‌شناسی نخست در ایتالیا پدیدار شد، عوامل ارتکاب جرم را در بستر محیط (اعم از حقیقی و مجازی) مطالعه و بررسی می‌نماید.^۳ اما جامعه‌شناسی کیفری توجه خود را به مطالعه نهادهای گوناگون نظام عدالت کیفری به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی و پیامدهای آنها معطوف می‌کند. برخلاف اولی که شاخه‌ای جرم‌شناسی است، دومی به جامعه‌شناسی گرایش دارد.^۴ تحلیل آثار سعدی بیشتر از نظرگاه جامعه‌شناسی جنایی قابل توجیه و تحلیل است.

بسیاری از جرم‌شناسان، با عنایت به تأثیر محیط در شکل‌گیری حالت مجرمانه، اجتماع را مسئول تمام کج‌روی‌ها می‌دانند. از دیدگاه لاکاسانی^۵، بزهکاری یک میکروب اجتماعی است. این میکروب در محیطی که آمادگی پروراندن بزهکار را نداشته باشد، بروز نکرده و جرمی اتفاق نمی‌افتد.^۶ در واقع، بزهکار آلت اجرایی اجتماع برای ارتکاب بزه محسوب می‌شود. جامعه آلوده، انسان‌های درست و پاک‌سرشت را به مردمانی نادرست و ناپاک مبدل می‌کند و بذریعه را در میان انسان‌های سالم پرورش داده و آنان را برای ایفای نقش ناپسند آماده می‌سازد^۷ اما سعدی در کلام خود محیط را به باغچه‌ای تشبیه می‌کند که از گل، گل می‌سازد:

گلی خوشبوی در حمام روزی	رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مشکی یا عیبری	که از بوی دل‌آویز تو مستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم	ولیکن مدتی با گل نشستم
کمال هم‌نشین در من اثر کرد	وگر نه من همان خاکم که هستم ^۸

1. Criminal Sociology.

2. Penal Sociology.

۳. نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، **جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)**، تقریرات دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری‌پور، ۱۳۹۱.

۴. نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، هاشم‌بیگی، حمید، **دانشنامه جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳.

5. Alexander Lacassagne.

۶. نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، هاشم‌بیگی، حمید، **پیشین**.

۷. نگاه کنید به: ستوده، هدایت‌الله، **جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.

۸. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، **کلیات سعدی**، پیشین.

از دید سعدی اگر محیطی سالم و مناسب فراهم گردد، دور از انتظار نیست که هویت شخص تغییر کرده و آنچه پست و پلید است، عزیز و شایسته گردد.

جامه کعبه را که می‌بوسند
او نه از کرم پيله نامی شد
با عزیزی نشست روزی چند
لاجرم همچو او گرامی شد^۱

عوامل محیطی در اندیشه سعدی به محیط اجتماعی (اعم از محیط اجتماعی شخصی و محیط اجتماعی عمومی) فرومی‌کاهد و به محیط طبیعی اشاره ندارد.^۲ محیط اجتماعی مورد نظر او نیز بیشتر شامل محیط‌های انتخابی و اجتناب‌ناپذیر است و محیط تحمیلی نقش کم‌رنگی در این میان ایفا می‌کند.

۲.۱. معاشرت ترجیحی^۳ و اندیشه معاشرت با ناهلان

طبق نظریه معاشرت ترجیحی رفتار انحرافی از طریق معاشرت با «دوستان ناباب» آموخته می‌شود. ادوین اچ. ساترلند^۴ (۱۹۴۹) مفهومی را مطرح کرد که جرم را به چیزی که آن را تفاوت در همنشینی می‌نامید، ربط می‌داد.^۵ به باور او، رفتارهای انحرافی از طریق «معاشرت با اغیار» یا «پیوند افتراقی» یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایت‌کاران، آموخته می‌شود. او می‌گوید، برای آنکه شخص جنایت‌کار گردد، باید نخست بیاموزد که چگونه جنایت کند. فرایند یادگیری رفتار انحرافی به‌وسیله دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود. طبق دیدگاه وی نخست، رفتار انحرافی یا مجرمانه آموختنی است و حالت اکتسابی دارد نه ارثی. تفاوت این نظریه با مکتب تحقیقی و لمبروزو نیز همین است. دوم اینکه فراگیری رفتار مجرمانه در تماس با اشخاص دیگر صورت می‌پذیرد.^۶ سعدی نیز به این موضوع اشاره دارد که در همنشینی انسان

۱. همان.

۲. برای آشنایی بیشتر نگاه کنید به: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، **جرم‌شناسی حقوقی، در: دایره‌المعارف علوم**

جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.

3. Differential association.

4. Edwin H. Sutherland.

۵. گیدنز، آنتونی، **جامعه‌شناسی**، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۹۰.

۶. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، **مباحثی در علوم جنایی**، پیشین.

وارسته با افراد ناشایست، ممکن است وی تحت تأثیر رفتار ناپسند آنان قرار گرفته و خود نیز فاسد شود.

گر نشیند فرشته‌ای با دیو وحشت آموزد و خیانت و ریو
از بدان نیکویی نیاموزی نکند گ‌رگ پوستین‌دوزی^۱

سعدی معتقد است محیط پیرامونی در تغییر سیرت افراد مؤثر بوده و موجب خواهد شد فرد طبق خواسته محیط، پرورش یابد:

با بدان یار گشت همسر لوط خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد.^۲

وی به دلیل تأثیر معاشرت در تقویت استعداد، افراد را از همنشینی با ناصالحان برحذر می‌دارد:

رقم بر خود به نادانی کشیدی که نادان را به صحبت برگزیدی
طلب کردم ز دانایی یکی پند مرا فرمود با نادان مپیوند

و حتی او طفل را از معاشرت با ناهالان منع کرده و می‌گوید:

نگه‌دار از آمیزگار بدش که بدبخت و بیره کند چون خودش^۳

یا

در صحبت رفیق بدآموز هم‌چنان کاندر کمند دشمن آهخته خنجری^۴

۱. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، **کلیات سعدی**، پیشین.

۲. همان، (ص ۸۴)، استاد دکتر پرویز صانعی معتقدند چنین اشعاری از سعدی، با نظریه‌های دانشمندان روان‌شناسی که در مکانیسم‌های روانی گروه‌های اجتماعی و مسئله «هماندسازی» تحقیق کرده‌اند، هماهنگی کامل دارد. نگاه کنید به: صانعی، پرویز، جامعه‌شناسی ارزش‌ها، تهران: گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۷۲.

۳. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، **بوستان (سعدی‌نامه)**، پیشین.

۴. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، **کلیات سعدی**، پیشین.

چنانچه خوی و رفتار ناپسند را از آنان فرانگیرد، کمترین اثر مجالست با آنان را که همان بدنامی است، پذیرا خواهد شد. «هر که با بدان نشیند، اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند، به طریقت آنان متهم گردد و گر به خراباتی رود به نماز کردن، منسوب گردد به خمر خوردن»^۱

به این‌سان سعدی، به مثابه یک جرم‌شناس و جامعه‌شناس زمان، معاشرت و مراودت با ناهلان را یکی از عوامل گرایش و تمایل به بزه دانسته و خواستار دوری از آنها می‌شود؛ و حتی به والدین توصیه می‌کند که کودکان خود را از آموزگار بد و صحبت رفیق بدآموز برحذر داشته و در تربیت و پرورش آنها مراقبت نمایند. و چنان که گفته شد، آنچه سعدی به دنبال آن بود، بعدها به‌عنوان یک نظریه فربه و قدرتمند در ساحت جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی، با عنوان معاشرت ترجیحی، پدیدار شده و توجه زیادی را برانگیخت.

۲.۲. برچسب‌زنی^۲ و عذر توبه

دیدگاه برچسب‌زنی در سال ۱۹۶۳ در کتاب «غریبه‌ها» اثر هاوارد بکر^۳ مورد توجه قرار گرفت. پیش از انتشار این کتاب، ادوین لِمِرت^۴ که می‌توان وی را به‌عنوان پدر دیدگاه برچسب‌زنی معرفی نمود، در سال ۱۹۵۱ در اثر خود تحت عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی»، اساس نظریه واکنش اجتماعی و انگ‌زنی را بنا نهاد.^۵ برچسب‌زنی حاصل تعامل دو یا چند جنبه‌ای است که در یک‌سو، شخص منحرف و در سوی دیگر اشخاصی قرار دارند که به او واکنش نشان می‌دهند. یکی از مسائل مهم مطرح شده در این نظریه، پیامدهای برچسب برای برچسب‌خورندگان است که فرد برچسب خورده را از بخشی از جامعه طرد کرده و از دیدگاه دیگران تبدیل به شخصی می‌کند که باید از او اجتناب نمود. چنین شخصی به دشواری می‌تواند در گروه آبرومند و متعارف قرار گیرد و همین پیشینه کیفری حتی می‌تواند در نحوه برخورد پلیس در آینده بر تحقیقات احتمالی از این فرد نیز تأثیرگذار باشد و در مورد او پیش‌داوری کند.^۶ سعدی نیز در کلیات خود،

۱. همان.

2. Labeling Theory.

3. Howard Becker.

4. Edwin Lemert.

۵. بخارایی، احمد، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات پیام‌نور، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.

۶. نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین، جامعه‌شناسی جنایی، پیشین، (ص ۸۸)؛ و برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: نجفی-

ابرنادادی، علی‌حسین، مباحثی در علوم جنایی، پیشین.

به نوعی به پیامد برچسب‌خوردگی اشاره می‌کند؛ برای نمونه در رساله پنجم می‌گوید: «مردم، متهم ناپرهیزگار را قرین و رفیق خود نگرداند که طبیعت ایشان در او اثر کند و اگر نکند، از شنعت خالی نماند و تأدیب دیگران که همان فعل دارد، از وی درست نیاید.»^۱ یا در گلستان باب دوم: «بخشایش الهی گم‌شده‌ای را در مناهی چراغ توفیق فرا راه داشت تا به حلقه یا اهل تحقیق درآمد، به یمن قدم درویشان و صدق نفس ایشان ذمائم اخلاق به حمائم مبدل گشت، دست از هوا و هوس کوتاه کرد و زبان طاعنان در حق او هم‌چنان دراز که بر قاعده اولست و زهد طاعتش نامعول...»^۲

نظریه پردازان این مکتب برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار برچسب‌زنی، معتقد به عدم مداخله رسمی و بنیادی بوده و بر این باورند که این افراد، در نهایت خود به سمت رفتار و شیوه‌های متعارف زندگی کشیده خواهند شد و این موضوع، خصلت دوره جوانی و نوجوانی است که افراد میان دو قطب متعارف و نامتعارف سرگردانند^۳ همچنین لازم است فرد برچسب خورده برای برچسب‌زدایی تلاش کند و اطرافیان نیز وی را در این راه همراهی کرده و دیگر او را منحرف قلمداد نکنند.^۴ اما سعدی در مرحله نخست، بر آن است با نصیحت فرد، مانع افتادن وی در دامی گردد که موجب برچسب‌خوردگی می‌شود: «خواهی که دقایق بر تو نگیرد، بر خویشتن بگیر پیش از وقوع»^۵ یا «از بدگویان مرنج که گناه از توست، چرا چنان نباشی که نیکو گویند. به عذر و توبه توان رستن از عذاب خدای ولیک می‌توان از زبان مردم رست»^۶

یا

به کوشش توان دجله را پیش بست نشاید زبان بداندیش بست^۷

۱. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، پیشین.

۲. همان.

۳. وایت، راب، هینز، فیونا، جرم و جرم‌شناسی، جلد نخست، ترجمه: علی سلیمی، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

۴. نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، جامعه‌شناسی جنایی، پیشین.

۵. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، پیشین.

۶. همان

۷. همان.

در مرحله دوم، چون نصیحت همواره کارساز نیست و ممکن است فرد در دام گناه افتد، از کسانی که توان برجسب‌زنی دارند، خواسته می‌شود حافظ آبروی او و عدم برجسب‌زنی به فرد شوند:

برآشفت عابد که خاموش باش
تو مرد زبان نیستی گوش باش
اگر راست بود آنچه پنداشتم
ز خلق آبرویش نگاه داشتم^۱

و در قطعه‌ای دیگر:

مکن عیب خلق، ای خردمند فاش
به عیب خود از خلق مشغول باش
چو باطل سرایند مگمار گوش
چو بی‌ستر بینی بصیرت بیوش^۲

یا

مریز آبروی برادر به کوی
که دهرت نریزد به شهر آبروی^۳

و حتی کسی را دوست‌دار حقیقی می‌داند که معایب‌مان را به خودمان گوید، نه در پشت سرمان. زیرا، «دوست‌دار حقیقی آن است که عیب تو را در روی تو بگوید تا دشخوارت آید و از آن برگردی و از قفای تو بیوشد تا بدنام نشوی»^۴ اما در مرحله آخر سعدی معتقد است نباید چشم‌پوشی و برجسب‌زدن، موجب سوءاستفاده شخص جهت انجام هر نوع عمل گردد، برای جلوگیری از این امر معتقد است به افرادی باید برجسب زد:

سه کس را شنیدم که غیبت رواست
و زین درگذشتی چهارم خطاست
دوم پرده بر بی‌حیایی متن
که خود می‌درد پرده بر خویشتن...^۵

۱. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

۲. همان.

۳. همان.

۴. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

۵. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

۲.۳ تسامح صفر^۱ و ترحم بر ستمکار

در سال ۱۹۳۸ کتابی با عنوان «جرم و اجتماع» توسط یک آمریکایی - آلمانی تبار به نام استوارت تانن‌بام^۲ منتشر شد که یک نوع سیاست جنایی به نام تساهل یا تسامح صفر در آمریکا را بنیان نهاد. اندیشه مبنایی در این رویکرد، آن است که جرم از بی‌نظمی به وجود نیامده، بلکه از تسامح و تساهل نسبت به انحرافات کوچک به وجود می‌آید.^۳ چنانچه جامعه، مردم و ضابطین نسبت به جرائم بسیار خفیف و انحرافات جزئی با اغماض برخورد کنند، سبب ایجاد بی‌نظمی می‌گردد و چنین تصور می‌رود که کسی مسئول پاسخ‌گویی به این انحرافات در این محله و گروه نیست و به این‌سان، این عدم برخورد با بزه‌های کوچک، موجب وقوع جرم‌های بزرگ می‌گردد. این سیاست خود محصول نظریه پنجره‌های شکسته^۴ است که رهیافت پرنفوذی را در عرصه سیاست‌های کنترل به ارمغان آورد. با تحلیل گفتار سعدی نیز بارقه‌هایی از این اندیشه را می‌توان یافت. او معتقد است نباید از کنار جرائم کوچک به‌سادگی عبور کرده، بلکه باید آنها را نیز مجازات کرد. زیرا، اگر به‌سادگی از آن بگذریم، موجب می‌شود که فرد جامعه را بدون حاکم تلقی کند:

کسی با بدان نیکویی چون کند بدان را تحمل، بد افزون کند^۵

یا «داد ستم‌دیدگان بدهد تا ستم‌کاران خیره نگردند که گفتند: سلطان که دفع دزدان نکند، حقیقت خود کاروان زند» یا «نیک‌مردی بجای خودست، نه‌چندان که بدان چیره گردند و دیده‌هاشان خیره»؛ و اعتقاد دارد عدم توجه و رسیدگی به جرائم کوچک موجب خواهد شود فرد در آینده جرم‌های بزرگ‌تری مرتکب شود:

«آورده‌اند که یکی از خلفا بر یکی از متعلقان دیوان به دیناری خیانت بدید، معذولش کرد. طایفه بزرگان پس از چند روز شفاعت کردند، که بدین قدر آن بنده را از خدمت درگاه محروم مگردان.

1. Zero Tolerance theory.

2. Stuart Tanenbaum.

۳. نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، پیشین.

4. Broken Windows theory.

۵. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

گفتا غرض مقدار نیست، غرض آنکه چون مال ببرد و باک ندارد، خون رعیت بریزد و غم نخورد»^۱.

سعدی با همین دید توصیه می‌کند:

میخشای بر هر کجا ظالمی است که رحمت بر او جور بر عالمی است^۲

این نوع نگاه به مجرم، که در گفتمان حقوق کیفری معاصر، به رویکرد امنیت‌گرا مشهور است، امروزه در بیشتر جوامع به دلایلی غلبه یافته است. سلب آزادی پیشگیری محور با تکیه بر احتمالات مجرمانه، ویژگی اصلی نظام‌های عدالت کیفری مدرن شده است و به این-سان جرم‌شناسی و حقوق کیفری از خاستگاه علت‌شناسانه و سزادهی خود فاصله گرفته و در خدمت تأمین امنیت عمومی جامعه درآمده است. امنیت‌سازی در این مفهوم، بیشتر جنبه نمادین دارد و بیشتر به جامعه این پیام را القا می‌کند که در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که روز به روز ناامن‌تر می‌شود.^۳

با این حال، قطع نظر از توانمندی یا ناتوانی سیاست تسامح صفر در حفظ نظم اجتماعی و پیشگیری از جرم، سیاست جنایی تقنینی ایران در سال‌های اخیر به‌ویژه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیشتر معطوف به اغماض نسبت به بزهکاران جرائم خرد و دادن فرصت به آنها جهت اصلاح رفتار خود است. گسترش اختیارات قاضی در صدور حکم معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم و جایگزین‌های حبس در همین راستا قابل توجه است.

۲.۴ مارکسیسم و تقابل فقیر و غنی

توجه به فاصله طبقاتی و مسائل اقتصادی مربوط به آن، که ریشه در دیدگاه مارکس و انگلس دارد، در واپسین سال‌های دهه ۱۹۶۰ و سال‌های آغازین دهه ۱۹۷۰ در قلمروی جرم‌شناسی به اوج خود رسید و در آثار بسیاری از جرم‌شناسان این دوره منعکس گردید. بر اساس این دیدگاه،

۱. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

۲. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

۳. نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین، رضوانی، سودابه، سلب آزادی پیشگیری محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۴.

جرم پیرو و تابع نظام سرمایه‌داری است و ریشه در شرایط اقتصادی دارد.^۱ فرایند انباشت سرمایه در دست سرمایه‌داران، به بیکاری بخشی از اعضای طبقه محروم می‌انجامد که علت اصلی بزهکاری است؛ چیزی که مارکس آن را «جمعیت مازاد حاشیه‌ای» می‌نامد و ناتوانی این جمعیت بیکار در تأمین یک زندگی محترمانه، آنها را به کج‌رفتاری می‌کشاند. این کج‌رفتاری تنها مربوط به سرقت اموال نیست؛ بلکه جرائم شخصی مانند زد و خورد، تجاوز، قتل، الکلیسم و خودکشی را نیز در برمی‌گیرد و حتی موجب بروز بیماری‌های روانی می‌شود.^۲ بنابراین، تنها راه جلوگیری از وقوع جرم و جنایت، دگرگونی بنیادین در قلمرو اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و با چنین تغییراتی، جرائم به وقوع نخواهند پیوست؛ مگر اینکه پیامد اختلالات روانی باشند.^۳ در جرم-شناسی مارکسیستی، کارکرد اصلی دولت نه برآوردن منافع کوتاه مدت سرمایه‌داران، بلکه تضمین بقای روابط اجتماعی سرمایه‌داری در بلندمدت است. این هدف ایجاب می‌کند تا برای پیش‌گیری از پیدایش شرایطی که به فروپاشی سرمایه‌داری می‌انجامد، در زمان‌های مختلف، منافع گوناگونی برآورده شوند.

سعدی در گلستان، باب هفتم، از دید یک جامعه‌شناس در جدال مدعی و سعدی، فقر را یکی از علل وقوع جرائم معرفی می‌کند. هرچند برخی بزرگان همچون ملک‌الشعرای بهار ادعان می‌دارند که سعدی در این جدال از طبقه مرفه حمایت نموده است.^۴ اما این درکی نادرست است. عوارض این درک نادرست که سعدی را حامی و مدافع توان‌گران در مقابل تهیدستان معرفی می‌کند، این است که وی از چشم‌چپ‌گرایان افتاده؛ زیرا، از نظر آنها در وجود او یک عامل تسهیل و تقویت استثمار زحمت‌کشان وجود دارد که با واقع‌گرایی سوسیالیست نمی‌خواند. درحالی‌که می‌توان چنین گفت که هدف سعدی در این حکایت، به‌رغم مقدمه گمراه‌کننده‌اش، دفاع از توانگران نیست. به‌عکس، وی خودپرستی و بدی‌های آنان را مورد انتقاد قرار داده و از کمبودها، مشکلات و

۱. نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، هاشم‌بیک، حمید، پیشین.

۲. بخارایی، احمد، پیشین.

۳. دادستان، پریرخ، روان‌شناسی جنایی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.

۴. بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.

محرومیت‌های مستمندان پرده برداشته است.^۱ سعدی در این حکایت بی‌آنکه مدعی دفاع از مستمندان باشد، صحبت را به فقر کشانده و می‌گوید:

«... عرب گوید: اعوذ باللّٰه من الفقرا المکب و جوار من لا احب...»

قصد وی حمله و تعرض به فقیران نیست؛ بلکه محکوم نمودن عنصر فقر است. وی یادآور می‌شود که از کسی که گرفتار قوت شب است، نمی‌توان توقع درستی و پرهیزگاری داشت:

«مشغول کفاف، از دولت عفاف محرومست و ملک فراغت زیر نگین زرق و معلوم.
تشنگان را نماید اندر خواب همه عالم به‌چشم چشمه آب^۲

وی یادآور می‌شود، انسان‌های درست‌کار بر اثر فشار سختی‌های زندگی اقدام به کارهای خطرناک می‌کنند، بی‌آنکه به عاقبت کار ببیند، این فقر است که موجب زندانی شدن یا قطع دست آنها می‌گردد. تجاوز به ناموس دیگران زیر فشار غریزه جنسی است که دامان عصمت را به گناه آلوده می‌کنند، اما دزدی نان، از فرط گرسنگی است و گرسنگی جایی برای پاک‌دامنی باقی نمی‌گذارد.

«هرکجا سختی کشیده و تلخی دیده‌ای را بینی، خود را بشر درکارهای مخوف اندازد و از عواقب آن نپرهیزد و از عقوبت ایزد نهراسد و حلال از حرام نشناسد...» یا «... هرگز دیده‌ای دست داعی بر کتف بسته یا بینوایی به زندان در نشسته یا پرده معصومی در دیده یا کفی از معصم بریده الا به علت درویشی...» یا «غلب تهی‌دستان دامن عصمت به معصیت آلایند و گرسنگان نان ربایند.
چون سگ درنده گوشت یافت، نپرسد کین شتر صالحست یا خر دجال

«چه مایه مستوران به علت درویشی در عین فساد افتاده و عرض گرامی به باد زشت نامی بر داده.

با گرسنگی قوت پرهیز نماند افلاس عنان از کف تقوی بستاند^۳

۱. پزشک‌زاد، ایرج، طنز فاخر سعدی، تهران: انتشارات شهاب ثاقب، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۲. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

۳. همان.

سعدی معتقد است برای از بین بردن این‌گونه جرائم، باید فقر را ریشه‌کن نمود و از این‌رو خطاب به ثروتمندان می‌گوید:

گر از نیستی دیگری شد هلاک تو را هست، بط را ز طوفان چه باک؟^۱

و حتی در مراجعه سعدی و حامی درویشان به حاکم مسلمان جهت مصلحت‌اندیشی، حاکم برای اقناع طرفین راه میانه‌ای را برمی‌گزیند؛ زیرا، تمام رخدادهای از چشم طبقه ثروتمند نمی‌بیند و مستمندان را به صبوری و توان‌گران را به بذل و بخشش نصیحت می‌کند.^۲

۳. تناقض دیدگاه‌های جرم‌شناختی در آثار سعدی

با نگاهی عمیق در اشعار و آثار سعدی و به‌ویژه گلستان تناقض‌هایی به چشم می‌خورد که فهم دقیق دیدگاه او را دشوار می‌نماید. این تضادها و تناقض‌ها در گفتار سعدی از نگاه بزرگان و صاحب‌نظران حوزه ادب پارسی مغفول مانده و مورد توجه و موشکافی قرار گرفته و حتی باعث شده عده‌ای علیه سعدی برآشوبند و اعلان جنگ نمایند.^۳ همان‌طور که گفته شد، در گفتار سعدی جلوه‌ها و جنبه‌هایی از اندیشه‌های جرم‌شناسانه نمایان است که گاه در مقابل هم قرار می‌گیرند. برای نمونه، برخی از نظریه‌های جرم‌شناسی مانند مکتب تحقیقی بر پایه توارث و ژنتیک پایه‌ریزی شده و مکتب‌های پس از آن به عوامل محیطی توجه نموده‌اند یا نظریه‌های مختلفی در زمینه مختار یا غیرمختار بودن انسان و اصلاح‌گر یا سرکوب‌گر بودن مجازات ارائه شده که در گفتار سعدی نیز چنین برداشت‌هایی مشهود و هویدا است. سخن این است رابطه این‌گونه تضادها و تناقض‌ها را چگونه باید توجیه کرد؟! چگونه می‌شود از یک‌سو بر اصلاح و تربیت مجرم تأکید نمود و از سوی دیگر با غیرقابل اصلاح دانستن او بر این باور بود که «عاقبت گرگ زاده، گرگ شود/ گرچه با آدمی بزرگ شود»؟

۱. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، پیشین.

۲. «مکن ز گردش گیتی شکایت ای درویش/ که تیره‌بختی اگر هم بر این نسق مردی/ توانگر چو دل و دست کامرانت هست/ بخور، ببخش، که دنیا و آخرت بردی». نگاه کنید به: سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، کلیات سعدی، پیشین.

۳. برای نمونه‌ای از این‌گونه تناقض‌گویی‌ها نگاه کنید به: بهرزی، محمدجواد، «سعدی و دو گویی»، در: مجموعه مقالات سعدی‌شناسی، شیراز، دفتر هفتم، اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۳.

با این حال، عده‌ای در پاسخ به ایراد فوق وجود هرگونه تقابل و تناقضی را در گفتار سعدی نفی کرده و بروز چنین اشکال بر مندرجات گلستان از جمله «باب پنجم» را ناشی از این می‌دانند که میان تعلیمات اجتماعی و دستورهای اخلاقی شیخ تمایز داده نشده است.^۱ اما بسیاری از بزرگان این تناقض‌ها را در گفتار سعدی پذیرفته و به دنبال راهی جهت رفع آن برآمده‌اند.

۳.۱. تناقض: ترجمان ضمیر آگاه

دکتر اسلامی ندوشن در بررسی مفهوم تناقض در اندیشه سعدی از دو زاویه متفاوت به موضوع نگریسته است. وی در جایی از کتاب‌شان چنین می‌آورد: «تفکر سعدی، تفکر انسجامی نبوده و علم جدید، تفکر را مقداری انسجامی کرده است که وقتی چیزی گفته شود، ضدش گفته نشود. این بر می‌گردد به اینکه در هر مورد یک فکر به ذهن شخص می‌آمده است، در مورد سعدی هم این مسئله صدق می‌کند. برای مثال، وی در بعضی موارد به کلی تربیت را نقض می‌کند و می‌گوید: امکان‌پذیر نیست که تربیت ناهل را به راه بیاورد. در مقابل هم خودش فصلی در تربیت دارد. پس این به این معنا است که خود به تربیت بی‌اعتقاد نبوده است».^۲

در جای دیگر علت تناقض‌گویی را این‌گونه بیان می‌کند: «... باید گفت کدام متفکری است که مقداری تناقض‌گویی نکرده باشد؟! هر که بیشتر به جامعه نزدیک بوده و هر که بیشتر خواسته افکارش را منعکس کند، تناقض‌گویی بیشتری در آثارش دیده می‌شود، برای اینکه بشر خود مجموعه تناقض‌ها است و با کیفیت و اقتضای زمان حرکت می‌کند، بشر موجودی قشری و ثابت نیست... پس سعدی «ضمیر آگاه ایرانی» را ترجمانی می‌کند و در واقع او آئینه ملت، در دوران بعد از اسلام است. اگر از دید امروزی، ایرادی به بعضی نظریه‌های سعدی وارد می‌شود، این ایراد به خلیقات ما وارد است که او آنها را تبلور داده و اگر ضد و نقیضی در آثارش دیده می‌شود، برای این است که ما ضد و نقیض می‌اندیشیم».^۳

به باور علی دشتی نیز «دلیل این تناقض‌گویی‌ها که بیشتر در گلستان نمود پیدا می‌کند، این است که گفتار سعدی دارای آنچه فرنگیان «نظام» می‌گویند، نیست. یعنی در این کتاب، روش

۱. حمیدی، محمدحسین، بیم و امید «رویکردهای سیاسی در ادبیات ایران»، تهران: نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی، چهار سخن گوی وجدان ایران، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.

۳. همان.

استواری که تمامی فصول بر حول محور اندیشه خاصی دور بزند و نویسنده تمام اطلاع و زبردستی خود را برای قبولاندن آن فکر اساسی و اقناع خواننده به کار ببرد نمی‌یابیم. گفتار او مانند کشکول یا جُنْگی است که حاوی مجموعه‌ای از آنچه سعدی در طی سی و چند سال سیر و سیاحت دیده و شنیده است، می‌باشد. پس این نوسان که در آثار سعدی مشاهده می‌شود، ناشی از کثرت مشاهدات و انبوهی مطالب متفرقه است.^۱ برخی معتقدند، گفتار سعدی، نسبی و مکمل یکدیگرند. برای نمونه، «سعدی نه محیط‌گرایی مطلق است، نه وراثت‌گرایی مطلق؛ بلکه تأثیر نسبی هر یک را قبول دارد. سعدی محیط و توارث را مقابل هم نمی‌داند، بلکه آنها را هماهنگ‌کننده و مکمل هم می‌داند.»^۲ عده‌ای نیز سعدی را اندیشمندی عمل‌گرا (پراماتیست) دانسته و نوسان اندیشه او را به تجربه‌های گوناگون او ربط داده‌اند. از این‌رو، تناقض نه در آثار سعدی، بلکه در ذات واقعیت است و تنها در عالم خیال و مثال می‌توان آن را نادیده انگاشت.^۳ بنابراین هر انسانی در ضمیر آگاه خود دارای تناقض‌هایی است که قابل انکار نیست و تناقض‌گرایی سعدی که بیشتر به عمل‌گرایی او برمی‌گردد، ترجمانی از ضمیر آگاه اوست.

۳.۲. واقع‌بینی و عمل‌گرایی

اگر واقع‌بینی و عمل‌گرایی را محور اصلی اندیشه سعدی بدانیم، این تناقض‌ها تا حدود زیادی حل خواهد شد؛ ولی در صورتی که آن را نفی کرده و نتوانیم تناقض‌های آثار او را توجیه کنیم، می‌توان به کاربرد روش «آیزیا برلین» و تقسیم‌بندی اندیشمندان به دو دسته، این دوگویی‌ها را تبیین کرد. برلین برای تمایز متفکران از نظر برداشت‌های نظری و شیوه برخورد با مسائل اجتماعی، از تمثیل خارپشت و روباه مدد می‌گیرد. روباه نماد متفکرانی است که بسیار می‌دانند، اما دانسته‌های‌شان به یکدیگر مرتبط نبوده یا حتی باهم تناقض دارند، ولی خارپشت نماد آن دسته از اندیشمندانی است که یک مطلب بزرگ می‌دانند و همه چیز را به بینشی اصلی یا یک دستگاه فکری کم و بیش منسجم و معین فرومی‌کاهند. اندیشمندان خارپشت صفت، در مقایسه با اندیشمندان روباه صفت، از واقع‌بینی کمتری برخوردارند، شاید به این دلیل که در اندیشه دسته

۱. دشتی، علی، پیشین.

۲. آزادی، محمد کریم، «تأثیر تربیت از دیدگاه سعدی»، در: ذکرجمیل، سعدی، پیشین.

۳. صدراشعار، غلامحسین، ضمیمه تاریخ ادبیات براوان، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۶۶.

اخیر، میل به پراکندگی و توجه به انواع فراوانی چیزها و تجربه‌ها دیده می‌شود. دسته نخست نگران درگیری بشر در تنگنایهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیستند. با استفاده از این دو مفهوم با قدری تساهل، می‌توان سعدی را از جمله متفکرانی دانست که به مسائل متنوع و انواع تجربه‌ها پرداخته است.^۱ سعدی حکیمی عمل‌گراست و عمل‌گرایی دارای ویژگی‌هایی است که با عنایت به آنها و بررسی موضوع از این دیدگاه، دیگر در گفتار سعدی تناقضی مشاهده نمی‌شود.

الف) واقع‌بینی: دیدگاهی است که بر انجام عمل در دنیای واقع تأکید دارد تا آنچه در یک جهان آرمانی انجام گیرد. در مهم‌ترین آثار سعدی نیز این واقع‌بینی وجود دارد.^۲

ب) نسبی‌گرایی: نفی حقیقت مطلق و پذیرش نسبی‌گرایی که «ویلیام جیمز» به آن شهره است، از ویژگی‌هایی است که در بخش اجتماعی آثار سعدی مشهود است به گونه‌ای که وی هیچ اصلی را برای همه موقعیت‌ها تجویز نمی‌کند و راهکارهای موردی را بهتر از ارائه یک نسخه کلی می‌داند.

پ) گرایش به کارایی: باوری درست که به آن اعتقاد داشته و عمل کنیم، مسلماً موفق‌تر از حالتی خواهد بود که بی‌اعتقاد عملی را انجام دهیم. همان‌طور که شیخ اجل می‌گوید: «یکی را

گفتند: عالم بی‌عمل به چه ماند؟ گفت به زنبور بی‌عسل»

ت) مدارا و تساهل: یکی از پیامدهای واقع‌گرایی و نسبی‌گرایی این است که انسان را از تعصب‌های شدید و طرد دگراندیشان بر حذر می‌دارد. انسان واقع‌بین و نسبی‌گرا می‌داند که حقیقت به تمامی، در نزد هیچ گروه و فرقه‌ای نیست و کمابیش بخشی از آن در نزد بیشتر آدمیان یافت می‌شود. این موضوع به آدمی، خوی مداراگرایانه می‌دهد.

ث) راه‌حل‌های گام‌به‌گام: سعدی به این نکته نیز آگاه است که هر عیبی، تدبیری ویژه می‌خواهد. وی با نگاهی جامعه‌شناسانه، پدیدارهای اجتماعی را دارای علل این جهانی و زندگانی بشر را درمان‌پذیر می‌داند و با نگاهی واقع‌بین، در ساختار اجتماعی و سیاسی زندگی می‌نگرد و همچون مهندسی کارآزموده، دلایل ماندگاری و ناپایداری ساختمان جامعه را می‌شناسد، از

۱. رجایی، فرهنگ، **معرکه جهان‌بینی‌ها**، انتشارات احیاء کتاب، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۲. انصاری، نورالحسن، پیشین.

این‌رو، وی مهندس اجتماعی محال‌اندیش نیست، بلکه در زمره مبتکرین مکتب مهندسی اجتماعی تدریجی قرار می‌گیرد.^۱

پیداست که نظریه‌های جرم‌شناسی نیز هر یک دیدگاه متفاوتی درباره علل نهایی وقوع جرم، نحوه اجرای مجازات، برخورد با بزهکاران و پیشگیری ارائه داده‌اند. دلیل این موضوع چیده شدن نگرش فکری آنها بر اساس نظام فکری معین است. از دلایل ناکامی نظریه‌های جرم‌شناسی را شاید بتوان داشتن دیدی یک‌جانبه (همان شیوه مهندسان اجتماعی محال‌اندیش) و تک‌بعدی نسبت به مسائل مربوط به جرم دانست. فهم دقیق از پدیده مجرمانه بی‌گمان در گرو داشتن یک نوع جهان‌بینی باز و جامع از واقعیت‌های مربوط به جرم است که علل و عوامل گوناگونی را به منظور ارائه راهکارهای پیشگیرانه مورد توجه قرار می‌دهد؛ نمونه‌ای از این واقعیت‌ها را می‌توان در آثار و اندیشه‌های شاعران و ادیبان کندوکاو کرد.

۱. دکتر فرهنگ رجایی این اصطلاح را برای نخستین بار درباره سعدی در معرکه جهان‌بینی‌ها استفاده نمود.

نتیجه‌گیری

جرم‌شناسی با اینکه از علوم نسبتاً نوپا است، اما تاریخ نشانگر وجود بخشی از آموزه‌های آن در اشکال مختلف از ادوار گذشته است و امری نیست که ناگهانی و تصادفی پدید آمده باشد. در این باره می‌توان ادعا کرد که آثار پیشینیان همچون سقراط، افلاطون، ارسطو و دیگران در تکمیل اندیشه‌های جرم‌شناسان بی‌تأثیر نبوده و دلیل چنین استنادی وجود جلوه‌هایی از جرم‌شناسی در گفتار گذشتگان است. سعدی نیز از جمله اندیشمندانی است که موضوع اصلی گفتارش را پیرامون مسائل انسان‌شناسی قرار داده، و علت چنین انتخابی را شاید بتوان وجود شرایط جامعه دوران او دانست که همانند طاس لغزنده‌ای وی را به این سمت سوق داده است. زیرا، اندیشه، گفتار و کردار افراد را نباید بیرون از روزگارشان ارزیابی نمود. سعدی گرچه خود شخصیتی بی‌نظیر دارد، اما زمانه او از خودش بی‌نظیرتر است. ایران در هیچ برهه‌ای از تاریخ، شرایط اندوه-بار روزگار سعدی را نداشته، سرزمینی که در اوج رونق و آبادانی به سر می‌برده ناگاه به بحرانی دچار شده که دیگر نمی‌تواند آن‌گونه که شاید از زیر بار آن، قد راست کند. ویرانگی‌ها، پریشانی-ها، نگرانی‌ها، ناله مادران و کودکان، کشتار چندین هزار نفری، آهنگ سم ستوران مغولان، هتک حرمت‌ها و بی‌ثباتی‌ها ویژگی عمده این دوران است. سعدی در چنین شرایطی به دنبال استفاده از عوامل و عناصر موجود در اجتماع برای کاهش شر و بدی و درصدد بازگرداندن جامعه به راه سلامت و میانه‌روی است و توجه خود را به شخصیت والای انسانی معطوف کرده و اوج انسانیت وی در این بحث نسبت به هر چیز در عالم، حتی شخص گمراه یا سگی وامانده و موری دانه‌کش مشهود است.

تشابه گفتار سعدی و جرم‌شناسان در این است که موضوع هر دو، انسان و روش‌های اصلاح و تربیت آنان است. با اینکه اندیشه سعدی با دیدگاه‌های مختلف جرم‌شناسی هم‌پوشانی دارد و از این‌رو، نوعی دوگویی را به ذهن خواننده متبادر می‌کند، اما دوران زندگی سعدی در این رابطه بی‌تأثیر نبوده است. او به خوبی می‌داند که زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از چنان پیچیدگی برخوردار است که نمی‌توان آن را به یک بینش مرکزی فروکاست. شرط اصلی موفقیت آدمیان در زندگی اجتماعی، صرف‌نظر از نوع باور و هدف آنان، گرایش به سمت واقع‌بینی و عمل‌گرایی است. بنابراین وجود جلوه‌ها و بارقه‌هایی از جرم‌شناسی و کیفرشناسی در لابه‌لای آثار

ادبی شگفت‌انگیز نبوده و چنین موضوعی نه تنها در اندیشه‌های سعدی بلکه بیش یا کم در اشعار دیگر ادیبان همچون مولانا، شهریار، خواجه نظام‌الملک طوسی، پروین اعتصامی و ... هویدا است. سعدی به جهت تجربه‌ها، گشت و گذارها، سیر و سلوک‌ها و جهان‌گردی‌هایش در این راه متمایز و متفاوت از دیگر بزرگان بوده و آشنایی با ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون جهان‌بینی ویژه‌ای به او داده است.

با توجه به اهمیت ارتباط میان ادبیات و جرم‌شناسی و لزوم توجه بیشتر به متون ادبی، لازم است که آثار ادیبان و شاعران بزرگ ایران و جهان، که پژوهاک زمانه خود بوده‌اند، تا آنجا که به جرم ارتباط دارد، تحلیل جرم‌شناسی گردد و یافته‌ها و جلوه‌های جرم‌شناسی در گفتار آنان شناسایی شود. این روش بی‌گمان در بومی‌سازی جرم‌شناسی و توسعه آن اثرگذار است. اما خوانش جرم‌شناسی آثار بزرگان ادبیات باید بر منابعی متمرکز گردد که مانند سعدی بیشتر بر واقعیت‌های اجتماعی زمان خود متمرکز بوده و تخیل در اندیشه آنها فروغ کمتری دارد. برای فراهم‌سازی بستر این نوع پژوهش‌ها پیشنهاد می‌شود، دوره‌های مطالعاتی برای پژوهش‌های مربوط به جرم‌شناسی ادبی در سطح دانشگاه‌ها راه‌اندازی شده و یک یا دو واحد درسی در مقاطع تحصیلات تکمیلی تعریف گردد. جذابیت این رشته، افزون بر آنکه انگیزه دانشجویان حقوق کیفری را به سمت خواندن ادبیات دو چندان می‌کند، سبب می‌شود پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی با موضوع و مضمون ادبیات و جرم‌شناسی گزینش شده و به رشته تحریر درآیند.

سرانجام باید تأکید ورزید که برای شناخت و درک مفاهیم حقوقی، به‌ویژه در گذار تاریخی، ناگزیر از رجوع به آثار ادبی هستیم. سخن ادیبانه و هنرمندانه در شنوندگان مؤثرتر و احاطه بر مضامین ادبی و بکار بستن آنها در محاوره‌های حقوقی گفته‌ها را پرمایه و دل‌نشین‌تر و بصیرت در سخن‌وری را بیشتر و استعداد در نطق و بیان را نیرومندتر می‌گرداند. به گفته شادروان ذکاء‌الملک فروغی، ادبیات ضعف را برطرف می‌کند و قوت را به کمال می‌رساند.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. آزادی، محمدکریم، «تأثیر تربیت از دیدگاه سعدی»، در: ذکرجمیل سعدی، جلد اول، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی شیرازی، گردآوری توسط کمیسیون ملی یونسکو ایران، اداره کل انتشارات تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
۲. اسلامی‌ندوشن، محمدعلی، چهار سخن‌گوی وجدان ایران، تهران: نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
۴. امینی، محمد، ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تأمینی، تهران: نشر تابان، چاپ نخست، ۱۳۴۶.
۵. انصاری، نورالحسن، «شیخ سعدی و تصور او از یک جامعه آرمانی»، در: ذکر جمیل سعدی، جلد اول، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی شیرازی، گردآوری توسط کمیسیون ملی یونسکو ایران، اداره کل انتشارات تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
۶. ایمانی، عباس، جرم‌شناسی در ادبیات، تهران: انتشارات نامه هستی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۷. بابایی، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی، تحولات مفهوم حالت خطرناک، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۸. بخارایی، احمد، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات پیام‌نور، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
۹. برنارد، تامس، اسنیپس، جفری، جرولد، الکساندر، جرم‌شناسی نظری ولد، ویراست ششم، ترجمه: علی شجاعی، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۱۰. بکاریا، سزار، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه: محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.

۱۱. بهرزی، محمدجواد، «سعدی و دوگویی»، مجموعه مقالات سعدی‌شناسی، شیراز، دفتر هفتم، ۱۳۸۳.
۱۲. بهار، محمدتقی، **سبک‌شناسی**، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.
۱۳. پزشک‌زاد، ایرج، **طنز فاخر سعدی**، تهران: انتشارات شهاب ثاقب، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۱۴. پیناتل، ژان، **جرم‌شناسی**، برگردان: رضا علومی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۴۵.
۱۵. حمیدی، محمدحسین، **بیم و امید «رویکردهای سیاسی در ادبیات ایران»**، تهران: نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۶. دادستان، پریخ، **روان‌شناسی جنایی**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
۱۷. دشتی، علی، **قلمرو سعدی**، تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، چاپ چهارم، ۱۳۵۶.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، **امثال‌الحکم**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم، جلد چهارم، ۱۳۸۵.
۱۹. رجایی، فرهنگ، **معرکه جهان‌بینی‌ها**، تهران: انتشارات احیاء کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۲۰. رضوانی، سودابه، **تحولات مفهوم خطرناکی در جرم‌شناسی و آثار آن**، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵.
۲۱. ستوده، هدایت‌الله، **جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
۲۲. _____، **جامعه‌شناسی در ادبیات ایران**، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۲۳. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، **بوستان (سعدی‌نامه)**، تصحیح و توضیح: یوسفی، غلام حسین، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸.
۲۴. _____، **کلیات سعدی**، تصحیح: محمدعلی فروغی، انتشارات نشر طلوع، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.
۲۵. صانعی، پرویز، **جامعه‌شناسی ارزش‌ها**، تهران: گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۷۲.
۲۶. صدرات، علی، **حقوق جزا و جرم‌شناسی**، تهران: کانون معرفت، چاپ نخست، ۱۳۴۰.
۲۷. صدراشار، غلام‌حسین، **ضمیمه تاریخ ادبیات براوان**، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۶۶.

۲۸. قاسمی، ناصر، **اقدامات تأمینی در حقوق کیفری ایران**، تهران: انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۳۷۴.
۲۹. کاتبی، حسین‌قلی، «**ادبیات حقوقی یا حقوق در ادبیات فارسی**»، نشریه کانون وکلا، شماره ۱۳۱، ۱۳۵۴.
۳۰. کلی، جان، **تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب**، ترجمه: محمد راسخ، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۳۱. کی‌نیا، مهدی، **مبانی جرم‌شناسی**، جلد نخست، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۳۲. گیدنز، آنتونی، **جامعه‌شناسی**، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۹۰.
۳۳. مالوری، فیلیپ، **ادبیات و حقوق**، ترجمه: مرتضی کلانتریان، مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۳۴. محقق‌داماد، سیدمصطفی، **قواعد فقه جزایی**، مرکز نشر علوم انسانی، تهران: چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۱.
۳۵. نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، **از حقوق جنایی تا علوم جنایی**، در: دیپاچه علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۳۶. نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، هاشم‌بیک، حمید، **دانشنامه جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۳۷. نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، رضوانی، سودابه، **سلب آزادی پیشگیری محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی**، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۴.
۳۸. نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، ایارگر، حسین، **نظارت بر مجرمان خطرناک: چالش‌ها و راهکارها**، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۳.
۳۹. نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، **درباره اصطلاح سیاست جنایی**، در: دیپاچه ویراست دوم درآمدی بر سیاست جنایی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۴۰. _____ **جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)**،
تقریرات دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و
تنظیم: مهدی صبوری‌پور، ۱۳۹۱.
۴۱. _____ ، **مباحثی در علوم جنایی**، ویراست هفتم، به کوشش:
شهرام ابراهیمی، ۱۳۹۱.
۴۲. _____ ، **جرم‌شناسی حقوقی**، در: دایره‌المعارف علوم جنایی،
زیر نظر: علی‌حسین نجفی ابرآبادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
۴۳. _____ ، **خلاصه تقریرات جرم‌شناسی**، تدوین: مجتبی
جعفری، ۱۳۸۷.
۴۴. نجفی‌توانا، علی، **جرم‌شناسی**، تهران: آموزش و سنجش، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
۴۵. نصرالله منشی، ابوالمعالی، **کلیده و دمنه**، تصحیح و توضیح: مجتبی مینوی، تهران:
انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۷۰.
۴۶. وایت، راب، هینز، فیونا، **جرم و جرم‌شناسی**، جلد نخست، علی سلیمی (مترجم)،
انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

(ب) انگلیسی

47. Duff, R.A, Punishment, Communication, and Community, New York: Oxford University Press, 2001.
48. Thompson, Nicole, Literature's Influence on the Law and Legal Actars, A dissertation submitted in partial fulfilment of the degree of Bachelor of Laws (with Honours) at the University of Otago, In: <http://www.otago.ac.nz/> 2012.
49. Von Hirsch, Andrew, Proportionality in the Philosophy of Punishment, In: Crime and Justice, Vol. 16, pp 55-98, 1992.